

راه‌سماح

نشریه تخصصی گفتمان امام خمینی (ره)

سال اول شماره چهارم

الهام الهی بر قلب امام خمینی

در بیان امام خامنه‌ای



پیام امام: مسئولان به مصالح

ملت دل‌بیندند!



علم مبارزه امام خمینی



هجوم علیه امام به سبک جدید!



بانگاشته‌ها و آثاری از:

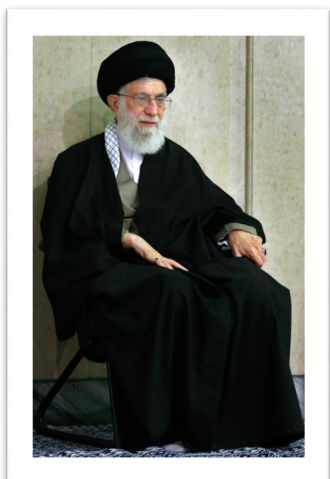
پیمان مولاویردی، علی حیاتی، مهدی کهن، سیدمحمد طباطبائی

۴... الهام الهی بر قلب امام خمینی در بیان امام خامنه ای

۵..... پیام امام : مسئولان به مصالح ملت دل ببندند!

۷..... علم مبارزه امام خمینی

۹..... هجده علیه امام به سبک جدید



حضرت امام خامنه ای :

راه‌سماح

نشریه تخصصی گفتمان

امام خمینی (ره)

سال اول شماره چهارم ،

خرداد و تیر ۱۳۹۴

درباره‌ی امام خیلی حرف زده‌ایم، شاید بعضی‌ها خیال کرده اند ما با اغراق و مبالغه حرف می‌زنیم؛ ولی نه، آنچه درباره‌ی امام بزرگوارمان گفته‌ایم، نه اغراق است، نه مبالغه است؛ بخشی از واقعیت است؛ بیش از آنچه توصیف کرده‌ایم و توانسته‌ایم ارائه بدهیم، امام بزرگوار و عزیز ما دارای مضمون و معنا و مغز بود. آنچه در اختیار ملت ایران و در معرض دید و فکر ملت‌ها در سراسر عالم است، ساخته و پرداخته‌ی آن دست توانا است

حرم مطهر امام خمینی (ره) ، ۱۴ خرداد ۱۳۹۳

سپیده سخن

الفاظ از بس در آرایه های ادبی مبالغه، اغراق و غلو استعمال شده اند، توانایی خود را، برای بیان حقایق بی کران و توصیف ذوات عظیم، گم کرده اند. جلالت شأن روح الله، معنایی است که تاکنون همآوردی از سرزمین الفاظ نیافته است. طمع ریختن روح خدا در ظرف لفظ، همان پندار خام و کودکانه ی ریختن دریا در کوزه است.

خواستم بگویم آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، اما مگر تشنگی انسان نسبت به می خوش گوار ارزش های انسانی و کرامت های والای بشری و مکارم اخلاق و نمایشگاه فضائل، تمامی می شناسد، تا هم به قدر تشنگی از آن بچشیم؟ تنها این راه باقی می ماند، که هر بار که گفت و گو درباره ی روح الله به پایان می رسد، آخر کار تشنه تر از گذشته، منتظر آینده بمانیم بدان امید که بار دگر عطای لقای روح الله در افق دیدار خوبی ها دست دهد و این است معنای «عشق به خمینی عشق به همه ی خوبی هاست».

در بیان شکوه و عظمت روح الله یک بیت بس؛ بیتی خطاب به ملت ایران با عنوان «غیرت اسلام کو جنبش ملی کجاست؟» از دفترچه ی یادداشت ده سالگی وی- آنگاه که هم سن و سال هایش، سرگرم بازی بودند:-

مملکت داریوش دستخوش نیکولاست

هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست





الهام الهی بر قلب امام خمینی در بیان

امام خامنه ای

رحمت خدا و رضوان خدا بر امام بزرگوار که همه‌ی این چیزها گرفتند. و آنهایی که رفته بودند برگشتند. ببینید؛ این، فهمیدن را فکر کرد؛ آن چشم تیزبین و روشن‌بین، آن بصیرت الهی، اولویتهای است، شناختن اولویتهای است. امام راه را، جهت را نشان بدون اینکه درس سیاست در جایی خوانده باشد، از کسی میداد.

فراگرفته باشد، همه‌ی آن چیزهایی را که در این زمینه لازم بود، از خدای متعال الهام گرفت؛ به آن قلب پاکیزه الهام شد. امام هم بسیج را درست کرد، هم جهت را نشان داد. امام فقط نگفت حرکت کنید، راه بیفتید، احساس مسئولیت کنید، بسیجی باشید؛ نه، گفت که چه کار کنید. به ما گفت هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. این یعنی جهت دادن؛ یعنی یاد دادن که چه کار کنید، کدام طرف بروید، کجا را نشانه بگیرید؛ این را به ما یاد داد.

امام فقط نگفت حرکت کنید، راه بیفتید، احساس مسئولیت کنید، بسیجی باشید؛ نه، گفت که چه کار کنید. به ما گفت هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید.



در دوران جنگ، در هشت سال دفاع مقدس، مکرر گفت: جنگ در رأس امور است. ماها مسئول بودیم در کشور - بنده رئیس‌جمهور بودم، یکی دیگر مسئول دیگری بود - هزار جور کار داشتیم. مأمور و مسئول وقتی که این همه کارهای اجرایی دوروبرش هست، گاهی غفلت میکند، [اما] امام راه را نشان داد به همه - به مسئولین، به مردم، به جوانها - [که] جنگ در رأس امور است. همین هم بود. جهت داد به همه که بروید سراغ این کار؛ این مهم است.

فرمود حفظ نظام از اوجب واجبات یا اوجب واجبات است؛ یعنی همه‌ی مسائل بعدی، فرع این مسئله است. این جهت را به ما نشان داد. ممکن است جنابعالی با رفیقت سر یک قضیه‌ای کوچک یا بزرگ اختلاف نظر داشته باشید اما در حفظ نظام، هر دو به قدر هم مسئولید. آنهایی که نفهمیدند این حرف امام را، در یک جاهایی خطاهای فاحش کردند. امام، جهت را نشان میداد. این مرد بزرگ، این جوری حرکت میکرد.

در قضیه‌ی حرکت به سوریّه برای جنگیدن با رژیم اشغالگر قدس که خوشحال بودند جوانهای ما - دو نفرشان هم پیش من آمدند که هر دو الان جزو شهدای عالی مقام ما هستند - که میخواهند بروند بجنگند. امام مطلع نبودند؛ بعد که مطلع شدند، گفتند که راه مبارزه‌ی با اسرائیل از عراق میگذرد؛ جلوی آن را

بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین

۱۳۹۳/۰۹/۰۶



«در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رأی مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور.»^۱

در سه شماره گذشته پیرامون سه اصل از اصول امام بزرگوار بر مبنای فرمایشات امام خامنه ای پرداختیم. در این شماره به چهارمین اصل - که از بهترین گوشزد ها برای مسئولان کشور نیز هست - صحبتی به میان می آوریم: مسئولان به مصالح ملت دل ببندند. این جمله پیامهای گوناگونی دارد که در میان گفتار ها و سیره عملی امام بزرگوار به دست می آوریم.

از جمله موارد توجه مسئولان به مصالح ملت، تأمین عدالت اجتماعی است. رهبر انقلاب در این باره می فرماید: «عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه ی برنامه های حکومت - در

قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می کنیم - یعنی

رهبر انقلاب: عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه ی برنامه های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد.

تولید ناخالص ملی را بالا می بریم - اما ثروتها در گوشه یی به نفع یک عده انبار شود و عده ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده

ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت ترین مسؤولیت ماست. همه ی برنامه ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه ی کسانی که در دستگاه های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.»^۲ تلاش سریع امام خمینی (ره) پس از انقلاب و شکل گیری بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، حساب ۱۰۰ و جهاد سازندگی نشان از توجه عمیق بنیانگذار انقلاب به محرومین و تأمین مصالح امت اوست. همچنین به صراحت می فرماید: «در تمام

زمینه ها ما باید در جهت منافع مردم خود گام برداریم و با آن چه صلاح آنان و پاسخ گوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می کنیم.»^۳

رهبر فقید انقلاب خدمت به ملت را وظیفه دولت دانسته و می گوید: «دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد و ملت چنان چه نخست وزیر هم یک وقت ظلم کرد در دادگاه ها از او شکایت می کند و دادگاه های

او را در دادگاه می برند؛ جرم او اگر ثابت شد به سزای اعمالش می رسد.»^۴ رفاه حال طبقه محروم از مطالبات اولیه امام بزرگوار بوده و می فرماید: «امید آن است که در رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد در رأس برنامه ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرح هایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود و از طرف

دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال ، بعضی ازدیون خودتان را به این طبقه عزیز - که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طَبَقِ اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آورده اند- ادا کرده باشید.»^۵

ایشان در بیانی کوبنده مخالفت با

**مملکت اسلامی را به طاغوت
نکشید . من خوف این دارم همان**

**مسائلی پیش بیاید که مردم با
طاغوت عمل کردند.**

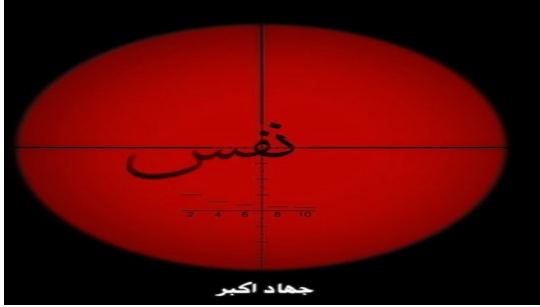
مصالح ملت را مصداق طاغوت معرفی می کند:

«مملکت اسلامی را به طاغوت نکشید. من خوف این را دارم که- خدای نخواستہ- اگر این امور زیاد انباشته بشود، یکوقت همان مسائلی پیش بیاید که مردم با طاغوت عمل کردند. طاغوت برای خاطر اینکه پسر کی بود و نوه کی بود که نبود؛ برای اعمالش بود. اگر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی

باشد، برای خود باشد، نه برای ملت، دعوا بکنیم سر خودمان، نه برای مصالح ملت ، این همان طاغوت است. منتها به یک صورت دیگری درآمده، اما طاغوت است. طاغوت هم مراتب دارد.»

منابع :

۱. حضرت امام خامنه ای، ۱۴/۳/۱۳۹۲
۲. رهبر معظم انقلاب، ۱۴/۳/۱۳۸۳
۳. جایگاه مردم در نظام اسلامی (دفتر ۳۵ از مجموعه تبیان) ص ۴۱، ۱۶/۸/۵۷
۴. همان ، ۱۲/۱/۱۳۵۸
۵. همان ، صص ۴۶-۴۷، ۷/۳/۱۳۵۹
۶. صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۰۰، ۳۰/۶/۱۳۵۹؛



علم مبارزه علمی است که چگونگی مطالعه وضع موجود را در اختیار قرار می دهد و در صورت وجود بی عدالتی علیه آن تصمیم و روش اتخاذ می کند و با بی عدالتی به مبارزه بر می خیزد.

یکی از ابعاد اقتدار آفرینی یک علم، وجه مبارزاتی آن است. در واقع علم مبارزه است که می تواند قسمتی از اقتدار آفرینی باشد.

در دوران اخیر در مبحث علوم اقتدار آفرین، بشر به سه علم مبارزه برای نجات خود و ساخت جامعه دست یافته است:

۱. علم مارکسیسم: در این علم، ایدئولوژی مارکسیسم به عنوان یک علم مبارزاتی قلمداد می شد. در طی ۵۰ سال، هر کس که به دنبال زندگی بهتری بود، به علم مبارزه ی چپ یعنی مارکسیسم نزدیک می شد. هدف غایی مارکسیسم در علم مبارزه خود، تغییر در روابط تولید و دگرگونی در مناسبات کار بود. مارکسیست ها از این زاویه تنها به دنبال مساوات (این به معنای عدالت نیست) بودند. کیبوتص (Kibbutz) یا جامعه اشتراکی تعریف می کردند و کار برابر توان و بهره مندی برابر نیاز را برقرار می ساختند. فردیت فرد در این علم نابود می شود.

۲. علم لیبرالیسم یا اباحه گرایی: در این علم، همه چیز مباح است و حدودی نباید برای انسان مشخص شود. مثلاً حمایت از همجنس گرایان جزء حقوق بشر می شود و در سازمان ملل از آن حمایت هم می شود. آزادی به

معنای اصالت اباحه و اصالت فرد است. یعنی انبیا و ائمه را در شکل دهی به یک انقلاب مبارزه با هر آنچه که حرام است. مبارزه کنید دین پایه محقق کرد. کلید واژه های ایشان هم با هر آنچه که واجب است. نفس مزینه امور را قرآنی بود. بر خلاف مارکسیست ها که آمریکا به دست می گیرد. هسته ی مرکزی این علم، را امپریالیسم می نامیدند، ایشان می فرمودند "بگذار هر چه می خواهد انجام بدهد" است. استکبار جهانی. امام در برابر تعریف دارالایمان بر سردر شهر سدوم نوشته شده بود: "این و دار الکفر از طرف اخوان المسلمین، می مردم هر چه می خواهند انجام می دهند". فرمودند: مستضعفین و مستکبرین. یعنی لیبرالیسم اعتقاد دارد انسان را از درون آزاد مستکبر داریم و بیرون جهان اسلام هم مستکبر داریم. تمام نگاه ایشان قرآنی بود. علم مبارزه ایشان بر مبنای قرآن و همراه با کلید واژه های قرآن بود. بر مبنای همین تفکر عزت و سربلندی را برای ایرانیان و مستضعفین جهان رقم زد.

امام راحل اعتمادی سه ضلعی

داشت: اعتمادی مطلق به خدا، مردم

و اسلام . و اعتقاد به این مطلب که

که اسلام می تواند. ایشان می

فرمودند با وجود اسلام به تراوش

مغزهای مریض نیازی نداریم.

اسلام ولایت جهت دار به سمت ولایت الله را مطرح می کند.

اعتماد به اسلام، استغنائی به ایدئولوژی های بیگانه را برای او رقم زده بود. اساس علم مبارزه ایشان: بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می شود. این همان پیروزی خون بر شمشیر است.

ولایت طاغوت و ولایت نفس و ولایت شیطان را نمی پذیرد و آن را ظلمات می داند و ولایت الله را نور می داند. در این علم مبارزه، دشمن به طور واضح مشخص است. شیطان و در کنار آن تبعیت از هوای نفس را دشمنی آشکار می داند. اسلام به دلیل سازگاری با فطرت، قدرت الهام بخشی عجیبی برای دیگران دارد.

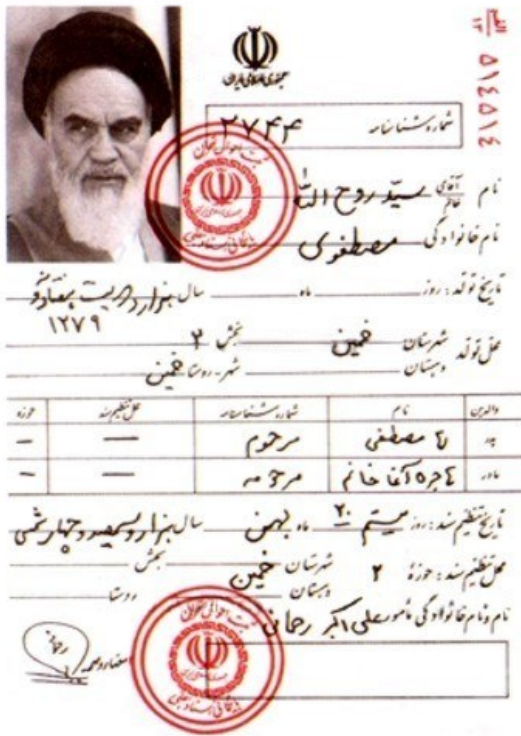
رفاه دنیوی را معطوف به نجات اخروی دنبال می کند. در برابر دنیا، عُقبی^۱ را مطرح می کند.

می کند، اما (انسان را در چمبره نفسانیت می برد).

۳. علم مبارزه اسلام: این علم در ایران با حرکت بزرگی چون امام خمینی (ره) شروع شد. امام راحل اعتمادی سه ضلعی داشت:

اعتمادی مطلق به خدا، مردم و اسلام . و اعتقاد به این مطلب که که اسلام می تواند. ایشان می فرمودند با وجود اسلام به تراوش

مغزهای مریض نیازی نداریم. این سه دسته اعتماد عامل موفقیت امام راحل بود که آرزوی



سبک زندگی اسلام باید زندگی مطلوب اخروی را به همراه داشته باشد (از طریق حدود سلبی و ایجابی).

مارکسیست ها و لیبرالیست ها تنها برای موفقیت در دنیا رقابت می کنند و اسلام این طور نیست.

مناسبات اقتصادی اسلام، بر مبنای بیع از تمامی مناسبات اقتصادی تاریخ بشر کامل تر است و طولانی ترین آیه قرآن درباره همین موضوع است. (آیه ۲۸۲ سوره بقره)

علم مقاومت و استقامت مختص اسلام است. اسلام برای مبارزه دو مفهوم انحصاری مجاهدت (علمی و اقتصادی و نفسانی) و مقاتله فی سبیل الله را دارد.

جهاد در اسلام دو قسم دارد: جهاد اکبر و اصغر جهاد اکبر همان مبارزه با نفس است. کوشش برای آباد کردن ویرانی های درون خود است.

علم مبارزه مارکسیسمی و لیبرالیسمی این ویژگی را ندارند. در واقع جهاد در اسلام از خود انسان شروع می شود.

امام برای آماده کردن خود برای مبارزه با طاغوت، تقریباً ۶۰ سال تلاش کرد تا سال ۱۳۴۲ حرکت خود را آغاز کند. امام به اندازه عمر پیامبر اسلام خودسازی کرده بود و نفس خود را آماده کرده بود. در سالهای قبل از ۱۳۴۲ امام دغدغه اش نماز بوده است. کتاب های او: سر الصلوه؛ آداب الصلوه، چهل حدیث، جنود عقل و جهل. به اندازه نیم قرن امام تلاش کرد تا درک کند که چطور عالم را محضر خدا بگیرد و در محضر خدا معصیت نکند. راز صلاة را در اصل ولایت جست و جو می کرد. بعد از تقریباً ۶۰ سال خود سازی، در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ فریاد زد. در دهه هفتاد زندگی خود انقلاب کرد. در سنی که انسان

تحصیل نماید نه تنها فایده ای بر آن مترتب نمی شود، بلکه ضررها دارد.

علم وقتی در این مرکز خبیث وارد می شود، شاخ و برگ خبیث به بار آورده، شجره خبیثه می شود.

پس در می یابیم که حتی اگر می خواهیم بر مبنای اسلام جامعه سازی و مردم را هدایت کنیم، نیاز به یک مقوله مهم داریم. مبارزه با نفس.

مبارزه ای که اساس علم مبارزه اسلام می باشد.

در انتها دوستان را به تقوای الهی دعوت می کنم و توصیه می کنم حتما کتاب "جهاد اکبر یا مبارزه با نفس" که از تقریرات فرمایشات امام است را مطالعه کنند.

مبارزه با نفس

جهاد اکبر

یا

مبارزه با نفس

جهاد اکبر یا مبارزه با نفس

امام خمینی (س)





که نماد بی توجهی شاه به مردم شود مراسم آشنایی دنیا با تمدن کهن ایرانی. شاپور بختیار که دست نشانده شاه و آخرین امید او در ایران است می شود کسی که قصد داشت آزادی و دموکراسی را در ایران رقم بزند. منافقین مارکسیست که دست به ترورهای کور می زدند می شوند مظلومانی که در زندان های ایران به سختی شکنجه می شدند!

این مستندها اگرچه به طور مستقیم به امام هجمه نمی کنند اما در اصل به تمام آنچه که امام بر علیه آن قیام کرد صحنه می گذارد و مخاطب را با این سوال باقی می گذارد که ایشان برای

هر انقلابی که رخ می دهد ناگزیر افرادی را به عنوان مخالف در برابر خود می باید. این افراد منافع خود را از دست رفته می بینند از این رو به هر کاری دست می زنند تا منافع خود را باز پس گیرند.

انقلاب اسلامی نیز از این قضیه مستثنی نیست. افرادی که موج خروشان یک ملت را دیدند و از ترس جان خود پا به فرار گذاشتند، امروز تنها کاری که از آنها بر می آید این است که شبکه ای ماهواره ای راه بیاندازند و برای خود سخن پراکنی کنند.

این نوع از دشمنی تبعات فیزیکی مانند حمله نظامی یا کودتا ندارد، اما بی تاثیر نیز نخواهد بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی کارهایی که با هجمه بالا علیه جمهوری اسلامی صورت گرفت، اتهام زنی و به تصویر کشیدن چهره ای دروغین از نظام بود. به طوری که هر آنچه در این چندین سال اتفاق می افتاد را اگر چه مثبت، سیاه و منفی نشان می دادند. در مورد افراد انقلاب نیز صورت می گرفت و آنقدر شدید بود که حتی در انتخاب تصویر چهره نیز مشخص بود. به طوری که تصویری که از امام در رسانه های خارجی منتشر می شد تصویری خشن و عبوس بود.

این روال ادامه داشت تا چند سال اخیر این رسانه ها دست به ابتکار جدیدی زده اند و با ساخت مستنداتی خوش ساخت و جذاب برای نسل جدید انقلاب، به نوعی پیش دستی کرده و تاریخ انقلاب را هر طور که می پسندند بازنویسی می کنند.

این مستند ها که اکثرا با آرشیو قوی از تلویزیون قبل از انقلاب پوشش داده و، به هر گروه و طیف فکری مخالف انقلاب متوسل شده تا چهره این انقلاب را وارونه نشان دهند. از چپ ها و کمونیست ها تا مجاهدین منافق، از جبهه ملی تا طرفداران شاپور بختیار، این شبکه ها که خود را طرفدار حکومت پهلوی می داند، برای سیاه نشان دادن چهره انقلاب به هر گروهی متوسل می شوند خواه این گروه از مخالفین حکومت پهلوی باشد و یا جزو معاندین.

در این مستند ها هجمه علیه اصل نظام است و مخاطب دست آخر باید نتیجه گیری کند که این انقلاب از اصل و اساس غلط بوده، حال با این رویکرد ببینید هجمه ای که متوجه حضرت امام خمینی ره می شود تا چه اندازه سنگین است. این مستندها از هر آنچه امام با آن مخالفت کرده صحبت می کنند و از هر آنچه در انقلاب مظهر ظلم و فساد بوده طرفداری می کنند. رضاخان قلدر می شود پدر ایران جدید، محمدرضا پهلوی که ایران را به سمت نابودی کشاند می شود کسی که ایران را به دروازه های تمدن نزدیک کرده، جشن های کذایی ۲۵۰۰ ساله

در این مستند ها هجمه علیه اصل نظام است و مخاطب دست آخر باید نتیجه گیری کند که این انقلاب از اصل و اساس غلط بوده. حال با این رویکرد ببینید هجمه ای که متوجه حضرت امام خمینی ره می شود تا چه اندازه سنگین است. این مستندها از هر آنچه امام با آن مخالفت کرده صحبت می کنند و از هر آنچه در انقلاب مظهر ظلم و فساد بوده طرفداری می کند.

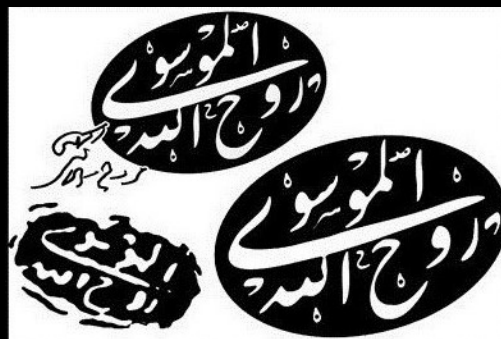
چه قیام و انقلاب کردند؟

اگر نسل جدید انقلاب بخواهد همراه با انقلاب شود باید ابتدا به این سوال در ذهن خود پاسخ دهد. سوال هایی که این مستند ها در ذهن نسل امروز ایجاد می کند، به خاطر آمیخته شدن راست و دروغی است که مخاطب قدرت تفکیک آنها را از هم ندارد. حال اگر این سوال ها بی جواب بماند، آنچه آسیب می بیند بی شک چهره بنیان گذار این انقلاب است.

شایسته است رسانه های داخلی به ویژه رسانه ملی در کنار پخش مستندهایی همچون شاخص و راه امام، به مسائل ریشه ای تر در ایام دهه فجر بپردازد. مستندهایی همچون به روایت دربار که در این چند سال کار تازه و تاثیر گذاری بود.



وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دولت حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت‌ها هر چه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیل‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند.



کاخ سفید گیج و گرفتار است

۱۲ صفحه چاپ دوم

اطلاعات

پنجشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۶۸ - شماره ۱۹۹۹ شماره ۱۶ ریزال

دانشجویان پیرو خط امام الشاکری را آغاز کردند

اسرار توطنه آمریکا برای پذیرفتن شاه مخلوع

امام: نه!



خرابکاری در لوله‌های نفتی خوزستان

فقط چندها و کوردلان...

میچکس حق ندارد با امریکا مذاکره کند

امام: امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند
میاجبی‌های فلسطینی وارد ایران شدند

امام با این بیان، اقدام میچکس را رد کرد و اعلام کرد که هیچ مذاکره‌ای با امریکا در این زمینه امکان ندارد. او همچنین به حمایت از فلسطینی‌ها و مبارزه با صهیونیسم اشاره کرد.



حضرت امام علی

امام آن روح الله بود که با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی
به نجات مظلومان کمر بست. امام به همه فهماند که انسان کامل شدن،
علی وارزیستن و تانزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن افسانه نیست.

سید محمد